

ضرورت های فراروی مدیریت فرهنگی اجتماعی استان :

علی مهرعلی زاده

مقدمه :

متن پیش روبه عنوان نوعی آسیب شناسی مدیریت کلان اجتماعی فرهنگی استان حاصل تجربیات نه ساله نگارنده در راستای فعالیت در حوزه اجتماعی استانداری می باشد. امید است تا در راستای ارتقاء سطح توسعه اجتماعی فرهنگی استان مورد توجه سیاستگذاران عالی قرار گیرد. آنچه برای من در طول این سالیان همواره مورد سؤال بوده و تاکنون به پاسخی در خور نرسیده ام سئوالاتی از این قبیل بوده است:؟ مهمترین اولویتهای حوزه اجتماعی فرهنگی استان چیست؟ آینده مسایل اجتماعی فرهنگی استان چه خواهد بود؟ مسایل اجتماعی فرهنگی آینده استان چیست؟ راهبرد کلان استان و استراتژی های اتخاذ شده جهت تحقق اهداف مد نظر در حوزه اجتماعی فرهنگی چیست؟ رویکرد وصول به اهداف و عملی نمودن برنامه ها کدام است؟ علم، دانش، مشارکت افراد صاحب نظر و کلا بهره گیری از رویکرد دانش بنیان در نیل به این مهم چه جایگاهی داشته و دارد؟ و...؟؟ بنظر میرسد پاسخ مناسب و درخور به این سئوالات و سئوالات مشابه را بایستی در ضرورت های پیش روی مدیریت فرهنگی اجتماعی استان جستجو کرد که در ذیل به مهمترین آنها اشاره خواهد شد.

۱- ضرورت تدوین و ابلاغ مؤلفه ها و شاخص های فرهنگی اجتماعی استان :

هم اکنون هیچ سندی در دسترس مدیران فرهنگی استان وجود ندارد که همه ابعاد، مؤلفه ها، اجزاء، عناصر و شاخص های فرهنگ در آن به طور عملیاتی و یک جا تدوین شده باشد، تا مدیر بتواند بر اساس آن برنامه ریزی نماید. لذا بدیهی است موضوعی که ابعاد و حدود و ثغور آن برای برنامه ریزی مشخص نباشد، نمی تواند قابل برنامه ریزی و ارزشیابی صحیح باشد. لذا ضروری است تا نسبت به تهیه موارد زیر اقدام و آنها را به عنوان مبانی برنامه ریزی فرهنگ به مبادی مربوطه ابلاغ نماید.

- نسخه مدیریتی مؤلفه ها و شاخص های فرهنگی اجتماعی با توجه به اولویتهای استان
- درختواره (پازل) فرهنگ (تبیین دقیق و عملیاتی حدود و ثغور فرهنگ در استان)

۲- موازی کاری در نظام برنامه ریزی فرهنگی اجتماعی استان و ضرورت

دستگاه های فرهنگی دولتی و عمومی مستقر در استان، به صورت جزیره ای و بر اساس تشخیص خود؛ و نه بر اساس نیازهای واقعی و اولویت دار استان برنامه خود را مصوب و اجرا می کند و مدیریت فرهنگ استان، نقشی در تلفیق برنامه های دستگاه های فرهنگی استان ندارد.

۳- ضرورت وجود اعطای جایگاه تلفیقی دادن به کارگروه اجتماعی فرهنگی استان :

هم اکنون دستگاه های فرهنگی دولتی و عمومی مستقر در استان که تعداد آنها حدود ۳۰ دستگاه می باشد، بدون هر گونه تلفیق برنامه در استان، برنامه های خود را صرفا با دستگاه مربوطه بالادست خود در تهران جمع بندی و مصوب می کنند و مدیریت فرهنگی اجتماعی استان، نقشی در تلفیق برنامه های دستگاه های استان ندارد. بدیهی است با چنین وضعی هر دستگاهی به صورت جزیره ای و بر اساس تشخیص خود؛ و نه بر اساس نیازهای واقعی و اولویت دار استان برنامه خود را مصوب و اجرا می کند و استان نقشی در مدیریت آنها ندارد. لذا باید بین برنامه ریزی های دستگاهی، استانی و کشوری هماهنگی و هم گرایی ایجاد نمود.[۱]

۴- ضرورت وجود جایگاه رسمی برای تعیین نیازها و اولویت های فرهنگی اجتماعی استان

هم اکنون جایگاهی برای تعیین نیازها و اولویت های فرهنگی اجتماعی استان مشخص و ابلاغ نشده است. لذا هر سازمانی بر اساس تشخیص خود و جدای از نگاهی کلان نگر و راهبردی به حوزه فرهنگ و تهدیدات این حوزه، اقدام به تدوین برنامه و تصویب آن در مرکز می نماید.

۵- ضرورت تجمیع همه توانمندی های استان

اگر همه سرمایه ها و اعتبارات دستگاه های فرهنگی استان را یک جا ملاحظه نماییم، به برآورد عددی بسیار زیادی خواهیم رسید، که سرمایه ای در خور توجه برای فرهنگ استان است. لیکن بدلیل عدم وجود یک نظام برنامه ریزی واحد و نظارت جامع فرهنگی (مدیریت جامع اجتماعی فرهنگی) می توان گفت که بسیاری از آنها کم ثمر گردیده و فاقد کارایی و اثربخشی مناسب است، که وضعیت جامعه خود، بیانگر این واقعیت تلخ می باشد. به طور مثال اعتبارات شهرداری های استان، سهم اعتبارات ۱٪ ورزش کارخانجات استان، درآمدهای اوقاف و امور خیریه، و بسیاری از اعتبارات دستگاه های فرهنگی مانند ارشاد، صدا سیما، آموزش و پرورش، ...، که در میان این برنامه ها کارهای موازی زیاد و مأموریت های فرهنگی بر زمین مانده قابل توجه به چشم می خورد. لذا علی رغم وجود امکانات و منابع بسیار زیاد در حوزه فرهنگ، بهره برداری مناسب و کارآمد از این سرمایه های ارزشمند انسانی و مادی صورت نمی پذیرد.

۶- ضرورت وجود نظام رصد و آینده پژوهی در حوزه اجتماعی فرهنگی استان :

هم اکنون نظام و سیستمی برای رصد مسائل حوزه اجتماعی و فرهنگ و تعیین وضعیت موجود در استان ها وجود ندارد، و البته کارهایی سلیقه ای انجام می شود، و بانک جامع اطلاعاتی در این زمینه وجود ندارد.

• ضرورت تعریف و طراحی فرم های اطلاعات فرهنگی اجتماعی (بر اساس مؤلفه های فرهنگی

اجتماعی)

- ضرورت وجود سیستم اطلاعات مدیریت جامع فرهنگی اجتماعی استان (GIS)
- ضرورت وجود اطلس فرهنگی اجتماعی استان
- ضرورت وجود آمایش فرهنگی اجتماعی استان

۷- ضرورت توجه به سند چشم انداز بیست ساله کشور در برنامه ریزی های فرهنگی اجتماعی استانی می توان گفت که سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران بالاترین سند جمهوری اسلامی، بعد از قانون اساسی است. لذا بطور مستمر شاهد تأکيدات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) بر نصب العین قرار دادن آن هستیم، و مهم ترین سند بالادستی پس از قانون اساسی را سند چشم انداز بیست ساله نظام میدانند. ایشان در این زمینه چنین می فرمایند: «این سند چشم انداز چیز مهمی است این را دست کم نباید گرفت شاید بتوان گفت که بعد از قانون اساسی ما هیچ سندی را در کشور به این اهمیت نداریم یک نگاه کلان و بلندمدت است سند چشم انداز مهم است، نگاه کنید ببینید الان چهار سال از سند چشم انداز گذشته یعنی ما شانزده سال به پایان این چشم انداز داریم، چقدر پیش رفته ایم.» [۲] حال سوال مهمی که در این باره مطرح است اینکه، کدام مرجع استانی مسئول تطبیق و هماهنگی برنامه های فرهنگی اجتماعی استان با سند چشم انداز بیست ساله کشور و استان است؟ و اگر بخواهیم مدیریت جامع فرهنگی اجتماعی را در استان پایه گذاری کنیم کدام سازمان و جایگاه با چه امکانات و تواناییهایی متولی آن است؟

۸- ضرورت اعطای اختیارات ویژه قانونی به مدیریت اجتماعی فرهنگی استانداری : هم اکنون مسئولیت راهبری حوزه اجتماعی فرهنگی استان بر عهده معاونت سیاسی امنیتی استانداری است، که به دلایل زیر آنگونه که باید و شاید اثربخشی لازم برای مدیریت و تحقق توسعه اجتماعی فرهنگی استان را ندارد..

- معاونت سیاسی و امنیتی هم اکنون دارای سه حوزه وظیفه ای کلان است. حوزه های سیاسی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی. حجم کاری این سه حوزه در استان بسیار زیاد و خارج از توان یک معاونت است. لذا بدیهی است در شرایط مستحدثه در استان، وقتی امر دایره به حل یک مشکل امنیتی یا یک مسئله اجتماعی / فرهنگی می گردد؛ اولویت با موضوع امنیتی است. لذا موضوع فرهنگ مظلوم و یا مغفول واقع می گردد.

- مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در دیدارشان با شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورخه ۱۴/۰۶/۱۳۸۸ می فرمایند: «نمی شود با شیوه های سیاسی - شیوه های سیاستگران و سیاستمداران - در عالم فرهنگ حرکت کرد، این خلاف شأن فرهنگ است.»

۹- ضرورت ایجاد ثبات مدیریتی در حوزه اجتماعی فرهنگی:

علیرغم اینکه مقوله فرهنگ موضوعی است با زمان پاسخگویی طولانی در تغییرات آن، و یا به عبارتی ضریب پاسخ زمانی فرهنگ زیاد است؛ لیکن هم اکنون تغییرات سریع و متعدد در حوزه مدیریت اجتماعی فرهنگی در سطح استان مواجه هستیم. که امکان خلاقیت، ابتکار و برنامه ریزی را از سیستم مدیریت جامع فرهنگی اجتماعی سلب می نماید. لذا باید چاره ای اندیشید تا ثبات بیشتری در حوزه مدیران فرهنگی ایجاد گردد. بعنوان مثال در طی ۷ سال فعالیت دولت نهم و دهم هفت تغییر و هفت مدیرکل دفتر امور اجتماعی فرهنگی را در استانداری شاهد بوده ایم یعنی بطور میانگین سالی یک مدیر را در مصد اداره کل امور اجتماعی استانداری تجزیه کرده ایم . و این بدون احتساب مدت زمانهایی است که این حوزه حتی فاقد سرپرست هم بوده است !

۱۰- ضرورت ارتقاء سطح هماهنگی، هم گرایی و هم افزایی بین دستگاه های اجتماعی فرهنگی

- ضرورت انسجام و هماهنگی بین دستگاه های فرهنگی استان
- ضرورت هم افزایی بین دستگاه های فرهنگی استان
- ضرورت برنامه ریزی جهت ارتقاء سطح کارآیی و اثربخشی دستگاه های فرهنگی اجتماعی استان

۱۱- ضرورت تقویت مکانیسم تصمیم گیری گروهی برای فرهنگ و جامعه استان

برای ایجاد هم افزایی بین دستگاه های فرهنگی اجتماعی استان و ایجاد هم گرایی بین آنها، لازم است در استانداری ها، سطح حمایت و پشتیبانی از مدیریت فرهنگی اجتماعی استانداری ارتقاء یابد بگونه ای که شاهد شکل گیری و تشکیل نوعی شورای راهبری فرهنگی اجتماعی باشیم که با محوریت و مشارکت همه ارکان اصلی فرهنگی استان، اعم از استاندار، امام جمعه استان، نماینده ولی فقیه در استان، مدیران کل دستگاه های اصلی فرهنگی و اجتماعی، شهرداری های استان، و ...؛ که در شورای راهبردی فرهنگ حضور دارند، تصمیم گیری در مورد برنامه های فرهنگی اجتماعی استان جمع بندی گردد.

۱۲- ضرورت بکارگیری مدل های علمی تصمیم گیری گروهی و تعیین اولویت های اجتماعی فرهنگی

با بکارگیری مدل های علمی تصمیم گیری خبره و تصمیم گیری گروهی، می توان زمینه سازی برای مشارکت حداکثری و عالمانه خبرگان فرهنگ را در تصویب برنامه های فرهنگی اجتماعی استان مهیا نمود. انجام این کار با توسعه روش های علمی و کاربردی در زمینه فرهنگ محقق می گردد. در این مورد می بایست از علوم همچون سیستم های پشتیبانی تصمیم (DSS)، طراحی و تحلیل سیستم های اطلاعاتی، سیستم های مدیریت اطلاعات و ... استفاده کامل برد.

۱۱- ضرورت تدوین پیوست فرهنگی اجتماعی جهت طرحهای عمده اقتصادی صنعتی استان :

پیشرفت و توسعه بدون در نظر گرفتن ابعاد فرهنگی و اجتماعی آن، می تواند پیامدهای ناخواسته فراوانی را به دنبال داشته باشد. این پیامدهای فرهنگی چه در درون خود سازمانها می تواند بر منابع انسانی موجود تأثیرگذار باشد و این سرمایه های عظیم انسانی که مهمترین فاکتور افزایش توان تولید کشور و اصلی ترین گزینه برای ارتقاء سطح راندمان کاری باشند که نیازمند مراقبت، هدایت و تعالی هستند را تحت تأثیر قرار دهد و باعث هدر رفتن پتانسیل ها و ظرفیت های بالقوه آنان شود، و همچنین تأثیرات گسترده ای را نیز بر جامعه پیرامونی خود، فرهنگ و اجتماعات محلی گذاشته و می گذارند و در نتیجه مسئولیت های متعدد اجتماعی را در پی خواهد داشت که شاهد تقابلی میان توسعه صنعتی و اقتصادی از یک سو و فرهنگ و محیط اجتماعی از سوی دیگر باشیم. هر اقدامی که برای توسعه صورت می گیرد تغییراتی در محیط طبیعی و اجتماعی ایجاد می کند و گاه این تغییرات می توانند سبب تضعیف و یا از بین بردن فرهنگ بومی - محلی جوامع گردند. از اینرو، با ارزیابی تأثیرات فرهنگی - اجتماعی طرح های توسعه ای می توان راهکارهایی را جهت تخفیف و کاهش تبعات و پیامدهای منفی ارائه نمود. پس برای ممانعت از عمیق تر شدن شکاف بین رشد و توسعه در صنعت و فرهنگ جامعه، که از مشکلات و چالش های جدی فراروی برنامه ریزان ملی و استانی است؛ پیوست نگاری فرهنگی اجتماعی به عنوان علاج واقعه قبل از وقوع از طرف مقام معظم رهبری مدظله العالی در بند اول سیاستهای کلی برنامه پنجم توسعه ابلاغ و به عنوان ماده دوم قانون برنامه پنجم توسعه در مجلس شورای اسلامی تصویب و توسط رییس جمهور نیز ابلاغ گردید موضوعی که تاکنون در استان- با وجود فعالیت حداقل ۲۰ طرح و پروژه عمده و بزرگ صنعتی اقتصادی تولیدی- آنگونه که باید جدی گرفته نشده است .

نتیجه گیری

بی شک توسعه فرهنگی و اجتماعی بخش مهمی از فرایند توسعه پایدار و همه جانبه استان را تشکیل می دهد اما این مهم به دلایلی که به بخشی از آنها اشاره گردید آنگونه که باید و شاید محقق نشده است. م در یک جمله می توان مهمترین چالش توسعه فرهنگی اجتماعی استان ایلام عدم وجود استراتژی فرهنگی اجتماعی در چهار چوب توسعه استان دانست که امروزه در ایلام به " حلقه مفقوده " تبدیل شده است. برای توسعه فرهنگی اجتماعی استان باید سیاست کلان و استراتژی فرهنگی در سطح کلان تعریف کنیم تا بتوانیم در مسیر توسعه فرهنگی اجتماعی گام های عملی و موثر برداریم. مدیریت اجتماعی فرهنگی بایستی مدیریتی دانش بنیان و شهروند محور باشد . مدیریت شهروند محور دانش بنیان، اصلی ترین نیاز توسعه فرهنگی استان است تنها ازین طریق است که می توان به مقوله تدوین سیاست کلان فرهنگی اجتماعی در استان دست یافت.

ما به آن مقصد اعلیٰ نتوانیم رسید
هم مگر پیش نهاد لطف شما گامی چند

[۱] در برنامه ریزی های استانی باید دقت نمود که نقش فرمانداری ها و شهرستان ها در این نظام برنامه ریزی به طور شفاف مشخص گردد.

[۲] بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای هیئت دولت به تاریخ ۱۳۸۸/۰۶/۱۶